



محبت اهل بیت علیه السلام حلقه اتصال مسلمانان ایران و مصر

پدیدآورده (ها) : پاک آئین، محسن
علوم قرآن و حدیث :: مشکوة :: پاییز 1375 - شماره 52 (ISC)
از 13 تا 25

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/889371>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 15/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

محبت اهل بیت علیهم السلام حلقه اتصال مسلمانان ایران و مصر



معسن پاک آئین
دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

«اهل بیت رسول الله ﷺ تاریخ جهاد در اسلام را ساخته‌اند. یکی از این قهرمانان جاوید تاریخ، سیدالشهداء حضرت اباعبدالله الحسین ﷺ است. وی برای حاکمیت کلمه لا اله الا الله مجاهدت کرد. حسین فرزند مصطفی و خدیجه، پسر علی و فاطمه و برادر حسن مجتبی ﷺ است و اسلام از جهاد او زنده است.»

این جملات را شیخ محمد فرحات امام جمعه مسجد الازهر در سالروز تولد حضرت امام حسین ﷺ و در خطبه اول نماز جمعه بیان داشت. مردم مصر میلاد اباعبدالله را در ۲۸ ربیع الثانی جشن می‌گیرند. امام جمعه الازهر خطبه اول نماز را به معرفی خصایل الهی اهل بیت ﷺ و حضرت امام حسین ﷺ و خاندان مکرم وی اختصاص داد. وی با استناد به روایات نبوی گفت: دوستی با فاطمه ﷺ دوستی با پیامبر ﷺ و دشمنی با فاطمه دشمنی با پیامبر است. امام جمعه الازهر با اشاره به روز محشر گفت در این روز ندا در می‌رسد که «ای اهل محشر دیده‌ها را ببندید چون فاطمه می‌خواهد عبور کند پس فاطمه به همراه هفتاد هزار تن از فرزندان خود عبور می‌کند.»

محبت اهل بیت ﷺ از قرن‌ها پیش حتی قبل از دوران فاطمیان با قلب و جان مردم مسلمان مصر عجین شده است. سابقه این امر به صدر اسلام و دوران فتح مصر توسط سپاه اسلام برمی‌گردد. در این سپاه جمعی از دوستداران حضرت علی ﷺ نظیر ابوذر غفاری، مقداد بن اسود کندی و ابویوب انصاری حضور داشتند. این عده آشکارا به ولای علی مرتضی ﷺ اهتمام داشتند و به دعوت مردم به سوی علی ﷺ معروف بودند و هیچ گاه و در هیچ جایی از فراخواندن مردم به ولا و محبت آن حضرت باز نمی‌ایستادند.^۱

مؤلف تاریخ شیعه می‌گوید: «گزار نیست اگر بگوییم تشیع در همان روزی که اسلام وارد مصر شد به مصر راه یافت».^۲ برخی انتصاب محمد بن ابی‌بکر از سوی حضرت علی علیه السلام به امارت مصر را از دلایل علاقه مردم به آن حضرت و آل او دانسته‌اند اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که حتی قبل از خلافت علی علیه السلام نیز قلوب مسلمانان مصر مملو از عشق به ایشان بوده است.

محبت اهل بیت علیهم السلام از قرن‌ها پیش حتی قبل از دوران فاطمیان با قلب و جان مردم مسلمان مصر عجین شده است. سابقه این امر به صدر اسلام و دوران فتح مصر توسط سپاه اسلام برمی‌گردد.

یکی از دلایل رواج تشیع نسبت به علی علیه السلام در مصر - پیش از آن که آن حضرت به مقام خلافت برسد - مطلب مقریزی است. وی می‌گوید: «قیس بن سعد انصاری به سوی مصر گسیل شد و در ربیع الاول سال سی‌وهفت بر مصر درآمد. مردم مصر در آن روزها از لشگر و سپاه علی علیه السلام بودند».^۳

ابن‌اثیر نیز درباره حوادث سال سی‌وشش - پس از گزارش خطبه و سخنرانی نماینده حضرت علی علیه السلام که مردم را برای بیعت با آن حضرت دعوت می‌کرد می‌نویسد: «مردم برخاستند و به آن حضرت بیعت خود را اعلام نمودند و مصر سامان یافت و علی علیه السلام کارگزاران خود را بر مصر گماشت».^۴

همان‌گونه که گفته شد گماردن محمد بن ابی‌بکر و قیس جهت اداره مصر و عشق ایشان به پاسداری از حریم اهل بیت علیهم السلام باعث آشنایی بیشتر مردم با فضایل آن بزرگان و افزایش نفوذ معنوی تشیع در آن سرزمین گردید.

پس از به قدرت رسیدن عمرو بن عاص - که مردی خبیث و مخالف خاندان پیامبر بود - فعالیت گسترده‌ای در مصر برای دور ساختن مردم از اهل بیت علیهم السلام صورت پذیرفت. بسیاری کشته و زندانی شدند و شماری تبعید گردیدند اما با آن همه خصومت، دوستان حضرت علی علیه السلام

فراوان بودند.

مقریزی می‌گوید:^۵ «وقتی علی علیه السلام به شهادت رسید و معاویه در حکومت خود استقرار و استقلال یافت سربازان و اشراف مصر عثمانی بودند، اما بسیاری از مردم آن از دوستان علی علیه السلام به‌شمار می‌رفتند».

دوران حکومت امویان برای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام بسیار تلخ و ملال‌آور بود. در این دوران سب و دشنام علی علیه السلام رواج یافت و دوستان وی در انزوا قرار گرفتند. اینان اگر چه به صورت علنی قادر به حمایت از خاندان پیامبر نبودند اما در دل ولای آن عزیزان را زنده نگه می‌داشتند و نسبت به ادامه راه آنان وفادار بودند. در دوران بنی‌عباس نیز این وضعیت ادامه داشت اگر چه این سلسله در اوایل حکومت خود با شعار خونخواهی امام حسین علیه السلام به میدان آمد اما پس از تثبیت قدرت انواع ظلمها و ستمها را نسبت به علویان روا داشت و این آغازی بر نهضت علویان علیه حکومت بنی‌عباس بود.

ظهور فاطمیون در مصر آغازی مجدد بر افزایش محبت اهل بیت علیهم السلام در این سرزمین بود.

نخستین علوی که به مصر وارد شد و مردم با او بیعت کردند، علی بن محمد بن عبدالله از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بود^۶ وی تلاشهایی برای احیای تشیع در مصر نمود اما در مقابله با جور و ستم حکام بنی‌عباس ناکام ماند. دیگر قیامهای علویان در مصر نیز اگر چه باعث تقویت موضع شیعیان و خروج ایشان از انزوا گردید اما آن شوکت و جلال دوران خلافت حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام را احیا نکرد. ظهور فاطمیون در مصر آغازی مجدد بر افزایش محبت اهل بیت علیهم السلام در این سرزمین بود. فاطمیان از فرقه اسماعیلیان خاص بودند که خود را از نسل حضرت زهراء علیها السلام می‌دانستند و به همین دلیل سلسله خود را فاطمی نامیدند. پس از وفات امام جعفر صادق علیه السلام پیروان آن حضرت به شش فرقه تقسیم شدند که یکی از این فرقه‌ها اسماعیلیان خاص بودند. اینان اعتقاد داشتند که پس از امام صادق علیه السلام فرزند بزرگ ایشان یعنی اسماعیل به امامت رسیده است و مرگ اسماعیل را در زمان حیات پدر که به سال ۱۴۵ هجری

روی داده است انکار می‌کردند. اینان در مورد اسماعیل می‌گفتند: ^۷ «او نمرده و نخواهد مرد و او مهدی قائم است که برای نجات امت خود بازخواهد گشت».

نخستین خلیفه فاطمی عییدالله المهدی نام داشت که خود را از نسل محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام و از ذریه حضرت فاطمه علیها السلام معرفی کرد. وی در سال ۳۰۱ با تصرف اسکندریه نیت خود را برای فتح مصر آشکار کرد و سلسله فاطمیان را در سال ۳۰۸ در تونس تشکیل داد که دامنه آن پس از مدتی به مصر کشانده شد.

فاطمیان خود را شیعه و محب اهل بیت علیهم السلام می‌دانستند و علاقه‌مند بودند از نام امام به جای خلیفه استفاده کنند تا قرابت خود را به شیعیان بیشتر نشان بدهند.

عبدالمجید الجندی عضو شورای عالی امور اسلامی مصر و مؤلف کتاب الامام جعفر الصادق علیه السلام درباره حکومت فاطمیان و ارتباط آن با حضرت امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

«امام صادق علیه السلام در تاریخ اسلام یگانه امامی است که عالم و دانشمند بود و تاریخ جهان بر پایه اندیشه‌های دینی، فقهی، اجتماعی و اقتصادی ایشان استوار بود و بر این اساس دولتها و کشورهای با عظمتی بنیان یافتند: مصر به یاد دارد که پس از دوره فراعنه، باشکوه‌ترین حکومت تاریخ در همین سرزمین استقرار یافت که قلمرو آن از سواحل اقیانوس اطلس تا خلیج سوئز امتداد داشت این حکومت یعنی فاطمیان چنانچه به وسیله ارتشهای ترک مهار نمی‌شد قلمرو آن تا قله‌های هیمالیا و قلب قاره آسیا امتداد می‌یافت».^۸

مرحوم علامه دهخدا در مورد اولین خلیفه فاطمیان می‌گوید: «عییدالله بن محمد الفاطمی العلوی از فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام امام و مؤسس دولت علویین در مغرب و جد فاطمیان در مصر است. در نسب وی اختلاف است وی در سلیمه سوریه سکونت داشت سپس بسیاری از اصحاب خود را در مغرب پراکنده کرد تا ظهور امام زمان (مهدی) را بشارت دهند و مردم را بدو خوانند».^۹

امیرالمعزالدین الله اولین خلیفه فاطمی بود که موفق شد مصر را به تصرف درآورد. فرمانده سپاه وی به نام جوهر به این مهم نایل شد در حالی که قبل از وی لشکر فاطمیان نتوانسته بود بر تمام مصر مسلط گردد. فتح مصر در سال ۳۵۸ هـ. ق روی داد. المعزالدین الله قاهره را بنیاد کرد و از این پس قاهره پایتخت مصر شد. وی اهتمام خاصی بر نشر تشیع در مصر نشان داد. در دوران حکومت وی اذان به سبک شیعیان در مأذنها طنین‌انداز شد. در مسائل ارث، طلاق، نماز جمعه

و معاملات، فقه تشیع حاکم گردید و مدح اهل بیت علیهم السلام گسترده شد. یکی از مهمترین کارهای این دوره تأسیس جامع الازهر بود هدف از این عمل تدریس فقه شیعه بود. تسمیه الازهر به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نسبت داده شده است.

«المعزالدین الله این مدرسه بزرگ را تأسیس کرد و جوهر، موقوفات عظیمی برای آن وضع نمود و خود او و خلفای فاطمی موقوفات آن را توسعه دادند. همه این کوششها با این هدف میذول گردید که فقه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مذهب تشیع در آن تدریس شود».^{۱۰}

بنا به تصریح جلال الدین سیوطی وی پس از تسخیر قاهره و کمک به قحطی زدگان این شهر، به ذکر مناقب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام دستور داد. او به خطبا امر کرد که به ذکر مناقب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بپردازند.

الحاکم بامر الله خلیفه دیگر فاطمیان بیش از اسلاف خود به ترویج تشیع پرداخت. در زمان وی دانشکده‌ای به نام دارالحکمه برای تدریس فقه و لغت تأسیس شد و بزودی مبدل به بزرگترین کتابخانه عصر خود گردید.

فاطمیان علی‌رغم ترویج مذهب شیعه به دیگر مذاهب نیز به دیده احترام می‌نگریستند و دانشگاه الازهر مرکز بحث و گفتگو بین علمای اسلام از مذاهب گوناگون و حتی دانشمندان مسیحی با متفکران اسلامی بود.

فاطمیان خود را شیعه و محبّ اهل بیت علیهم السلام می‌دانستند و علاقه‌مند بودند از نام امام به جای خلیفه استفاده کنند تا قرابت خود را به شیعیان بیشتر نشان بدهند.

مرحوم سیف آزاد در کتاب تاریخ خلفای فاطمی شرح مبسوطی از مراکز علم و دانش فاطمیان بیان می‌کند و از جمله می‌گوید:

«جامع الازهر نه فقط مرکز دعوت فاطمیان بود بلکه علمای شافعی و حنفی و غیره هم در آن اجتماع می‌کردند».

«فاطمیان در علم و حکمت تعصب به خرج نمی‌دادند و در مقابل علمای شیعه و سنی با

گشاده رویی رفتار می‌کردند».^{۱۱}

«الحاکم بامر الله فاطمی در زمان خود دو تن عالم مالکی را برای تعلیم فقه دعوت نمود».^{۱۲}
در دوره فاطمیان برپایی مراسم جشن و عزاداری در ایام تولد یا شهادت اهل بیت علیهم السلام رواج پیدا کرد. زیارت و بوسیدن مقابر متبرک، توسل به ائمه علیهم السلام و بویژه گرامیداشت روز عاشورا گسترش یافت. وجود سه حرم متبرک در قاهره یعنی مقام رأس الحسین علیه السلام، مرقد حضرت زینب علیها السلام و مرقد سیده نفیسه، عوامل اصلی افزایش محبت آل محمد صلی الله علیه و آله در جامعه مصر است. این حررها امروز نیز زیارتگاه عاشقان اهل بیت علیهم السلام می‌باشند.

مشهد رأس الحسین علیه السلام یکی از زیارتگاههای اصلی مسلمانان مصر است. اینان معتقدند سر مبارک حضرت امام حسین علیه السلام در این محل دفن شده است. مردم مصر در دوران فاطمیون این مکان را ارج و قرب فراوان می‌داشتند و بویژه در روز عاشورا با برپایی عزاداری و نوحه خوانی در کنار این مرقد و قربانی کردن شتر و گاو و گوسفند ارادت خود را نسبت به آن حضرت ابراز می‌کردند. اگر چه پس از دوران فاطمیان این مراسم منسوخ شد، اما هنوز هم در روز عاشورا خطبا و ائمه جمعه بخصوص در مسجد الازهر پیرامون قیام خونین کربلا سخن می‌گویند و یاد شهدای عاشورا را گرامی می‌دارند. همچنین در ایام میلاد حضرت امام حسین علیه السلام سه شب در مصر جشن گرفته می‌شود و فرقه‌های مختلف مذهبی از جمله بُهره‌ها، صوفیه و دراویش با برپایی آیینهای جشن و سرور به شعرخوانی و مدیحه‌سرایی در وصف آن حضرت می‌پردازند.

یکی از توفیقات نگارنده این بود که در شب تولد حضرت امام حسین علیه السلام طبق سنت معمول مصر (۲۸ ربیع الثانی) در قاهره بودم و شکوه و عظمت گرامیداشت این روز را توسط عاشقان آن حضرت از نزدیک مشاهده کردم. در شب میلاد ازدحام جمعیت چنان زیاد بود که امکان ورود حتی به صحن مسجدی که حرم در آن واقع است میسر نگردید. فرقه‌های مختلف شیعه در کنار برداران اهل تسنن تا پاسی از شب، با مولودی خوانی و پایکوبی نسبت به اهل بیت علیهم السلام ابراز محبت کردند گروه زیادی از شیعیان بُهره که مرکز آنان در هند است و در مصر فراوان هستند به همراه قطب بزرگ و رهبر دینی خود در این مراسم شرکت کرده بودند. بسیاری از آنان رنج سفر از هند را برای زیارت رأس الحسین علیه السلام به جان خریده بودند جمع کثیری از این افراد را زنان تشکیل می‌دادند. حرم مدتی برای ایشان قرق بود تا بدون دغدغه زیارت کنند.

برخی موزخان معتقدند سر مبارک امام حسین علیه السلام نخست در قدس شریف دفن بوده و بعداً به

قاهره آورده شده است.

در این مورد مقریزی می نویسد:

افضل بن امیرالجیوش وقتی بر قدس دست یافت و وارد عسقلان شد در آن جا خرابه‌ای بود که سر حسین بن علی علیه السلام در آن مدفون بود. افضل این سر را از خاک بیرون آورد و آن را معطر ساخت و در میان سبد و زنبیلی مخصوص در بهترین خانه‌ای که در عسقلان وجود داشت نهاد، و آن خرابه را بازسازی و آباد کرد. وقتی کارش در عمران و آبادی این ویرانه به پایان رسید رأس شریف را افضل بر سینه خود حمل می‌کرد و پیاده آن را با خود برد تا به همین محلی که در قاهره به مشهد رأس الحسین علیه السلام معروف است رسانید. حمل این سر از عسقلان به قاهره در روز یکشنبه هشتم جمادی الاخر سال ۵۴۸ هـ. ق انجام گرفت. و گویند این رأس شریف وقتی که از مشهد خود در عسقلان بیرون آورده شد دیدند از آن خون می‌ریزد و خون آن بند نمی‌آید و بوی خوشی به مانند بوی مشک از آن متصاعد است.^{۱۳}

ابن بطوطه نیز می نویسد:

یکی از مزارهای شریف، مشهد مقدس عظیم الشان رأس الحسین بن علی علیه السلام می‌باشد که بر آن رباطی بسیار بزرگ و ساختمانی شگفت آور بنا کردند و حلقه‌های در و روکشهای آن از نقره است. و در واقع حق اجلال و تنظیم این مشهد مقدس با چنین بناء فاخری ادا شده است.

وی همچنین می نویسد:

در قدس، مشهد معروفی است زیرا حسین بن علی علیه السلام قبل از آن که به قاهره منتقل گردد در آنجا قرار داشت». امروز نیز این مشهد دارای بنای عظیمی است که از مشاهد اهل البیت علیهم السلام بجز مشاهد معصومین علیهم السلام کم و کسر ندارد.^{۱۴}

بر روی دیوارهای مسجد رأس الحسین علیه السلام آیات و احادیث فراوانی در مدح اهل بیت علیهم السلام نوشته شده است از جمله «احب اهل بیتی الی الحسن و الحسین» و «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَى»^{۱۵} و این نشان دهنده عمق علاقه مردم این کشور به خاندان عصمت و طهارت است.

«باید از جملات فراوانی که در مدح اهل بیت بر دیوارهای مسجد نوشته شده یاد کرد، از جمله «مقام رأس الحسین کعبه مصر است».^{۱۶}

مزار متبرک حضرت زینب علیه السلام نیز یکی دیگر از اماکن زیارتی قاهره است. برخی از مورخان

معتقدند آن حضرت پس از اقامت در مصر در همین سرزمین وفات کرده و در قاهره دفن شده است. برخی دیگر نیز معتقد به فوت و دفن آن حضرت در شام هستند و عده‌ای نیز مزار ایشان را در مدینه می‌دانند.

«از مهمترین کتابهایی که به سفر حضرت زینب علیها السلام به مصر اشاره کرده است، اخبار الزینبات نوشته یحیی بن الحسن الحسینی العبدلی الاعرجی است و آیت الله العظمی نجفی مرعشی رحمته الله نیز در مقدمه خود بر این کتاب، آن را متنی قابل اطمینان دانسته‌اند. این کتاب پیرامون سفر حضرت زینب به مصر و درگذشت ایشان در مصر در نیمه رجب ۶۲ یا ۶۳ هجری سخن گفته است. آیت الله قاضی طباطبائی رحمته الله نیز در کتاب اول اربعین حضرت سیدالشهداء علیه السلام ضمن تأیید روایت اخبار الزینبات به دوازده منبع دیگر که سفر حضرت زینب به مصر و درگذشت آن حضرت را در قاهره تأیید می‌کند اشاره کرده است. از طرف دیگر محققان دیگری در مستند بودن اخبار الزینبات شک کرده، روایت سفر آن حضرت را به مصر رد کرده‌اند و معتقدند آن حضرت به شام سفر کرده‌اند». راجع به سفر حضرت زینب علیها السلام به قاهره مشهور است که آن حضرت مدتی به عنوان مشاور ویژه حاکم مصر در عصر خود منصوب شده و لقب صاحبه الشوری داشت و در مدت اقامت خود در مصر با تشکیل جلسه‌هایی، معارف اسلامی و قرآن به زنان تدریس می‌کرد. مردم مصر بوسیدن ضریح، تضرع و توسل به حضرت زینب علیها السلام برای برآورده شدن حاجات را روا می‌دانند و همانند شیعیان در سوگ اهل بیت علیهم السلام و منسوبین به آنها عزاداری می‌کنند. طواف عروس در حرم حضرت زینب نیز مرسوم است و نگارنده در چند مورد شاهد این مراسم بوده است. محل طواف زنها و مردها در حرم مطهر از یکدیگر جداست و بوی عطر فضای روحانی حرم را معطر می‌کند مردم مصر که شافعی مذهب هستند بین اذان و اقامه به تلاوت قرآن گش فرا می‌دهند برخی همانند برادران شیعه خود دست باز نماز می‌خوانند و بعد از نماز با فشردن دست به یکدیگر «تقبل الله» می‌گویند.

بسیاری معتقدند حرم حضرت زینب علیها السلام دارای کرامات درخشان و غیر انکاری بوده است و شاید به همین دلیل است که در طول روز نمی‌توان اطراف ضریح را خالی از زائر دید.

مرقد سیده نفیسه نیز از مزارات متبرک قاهره است. سیده نفیسه دختر حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. مردم مصر احترام خاصی برای این بانوی عالمه و عابده قائل هستند و در طول هفته درویش در این محل اجتماع می‌کنند و دسته‌جمعی به ذکر و زیارت

می‌پردازند. بر روی یکی از دیوارهای این حرم قسمتی از دعای افتتاح «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه...» بر تابلوی زیبایی نصب شده و جالب این که در زیر آن نوشته شده بود: «تقدیم به مهدی علیه السلام». در داخل حرم نیز تابلوهایی دیده می‌شد که بر روی آنها آیاتی در مدح اهل بیت علیه السلام نوشته شده بود.

پدر سیده نفیسه از طرف منصور خلیفه عباسی پنج سال حاکم مدینه بود. سپس زندانی شد و تمام دارایی‌اش توقیف گشت. سیده نفیسه با شوهرش - اسحاق (پسر امام صادق علیه السلام) - به مصر رفت و در رمضان ۲۰۸ هـ. ق درگذشت. او صاحب کرامات بسیار بود و مستجاب‌الدعوه؛ زن شکوه‌مندی که سخن و سیمای او نردبان آسمان بود و خانه‌اش ملجأ و پناهگاه تهیدستان و بی‌پناهان. سیده نفیسه معاصر امام شافعی بود. وقتی شافعی درگذشت او بر جنازه‌اش نماز خواند. وقتی سیده نفیسه درگذشت اسحاق می‌خواست جسد او را به مدینه ببرد مردم اشکریزان بر در خانه‌اش جمع شدند و از او خواستند که مشهد نفیسه در مصر باشد، نفیسه را در خانه محل سکونتش به خاک سپردند. او در ماه رمضان درگذشته بود و مردم روزه‌دار بر او می‌گریستند.^{۱۷}

در مورد جامعه و مردم مصر باید گفت این مردم بسیار مذهبی هستند اسلام را به عنوان تنها هویت تاریخی و فرهنگی خود می‌شناسند و از ابراز علایق اسلامی خود پرهیز نمی‌کنند. قاهره شهر هزار مأذنه، شهر مساجد بزرگ و تاریخی و شهر نماز جمعه و جماعت است. اکثر زنان قاهره باحجاب هستند. معمولاً صدای قرآن در خیابانها و مغازه‌ها طنین‌انداز است، در مصر تعصّب مذهبی و عناد با تشیع به اندازه‌ای که در بین وهابیتون دیده می‌شود وجود ندارد. محبت به اهل بیت علیه السلام می‌تواند فصل مشترک مسلمانان ایران و مصر باشد. روش اکثر نویسندگان مصری در طول تاریخ نسبت به وقایع صدر اسلام بویژه مسأله جانشینی پیامبر ﷺ منصفانه بوده است. کتاب الامام علی بن ابی طالب که در چند جلد توسط عبدالفتاح عبدالمقصود نویسنده مصری نوشته شده گواه این مدعا است. بسیاری از نویسندگان مصری در مورد علم و فقاهاست امام ششم شیعیان علیه السلام قلم زده‌اند. عبدالحلیم الجندی نویسنده کتاب الامام جعفر الصادق علیه السلام در توصیف ایشان می‌گوید:

فقه شیعی یکی از دو رودخانه‌ای است که تمدن اسلامی را بارور نمود و قانونگذار مصری برای اجرای قانون خانواده از این منبع استفاده نمود. امام جعفر صادق علیه السلام در واقع قلّه شکوه‌مند فقه اهل بیت پیامبر ﷺ به شمار می‌رود. او در فقه امام بود، در زندگی خود برای مسلمانان امام بود

و مسلمانان امروز گنجینه‌های گرانبهای خود را به صورت ناب و بدون هیچ شائبه‌ای از ایشان می‌دانند... با توجه به موقعیت آن حضرت در میان اهل بیت علیهم‌السلام حقیقت این است که ایشان بدون استثناء بر کلیه فقها ارجحیت دارند».^{۱۸}

خالد محمد خالد در کتاب خود *ابناء الرسول فی کربلاء* نوشته است:
زمانی که آیه مبارکه: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» نازل شد حضرت رسول، علی و فاطمه و حسن و حسین را زیر کساء (ملافه) جمع کرد و فرمود: اینان اهل بیت من هستند.

دنیا و هر آنچه از پستی‌ها و پلیدی‌ها دارد همان رجسی بود که خداوند آن را از خاندان پیامبر اکرم علیهم‌السلام دور نمود.

غیر از قاهره آثار محبت اهل بیت علیهم‌السلام در بسیاری دیگر از مناطق مصر نیز وجود دارد. در منطقه صعید بویژه استانهای قنا و اسوان گروهی از منسوبان به حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به نام «جعافره» زندگی می‌کنند. تعداد جعافره در مصر به دو میلیون نفر می‌رسد، تفکراتی نزدیک به شیعه دارند و با اهل سنت همزیستی برادرانه دارند.
«بهره»ها گروه دیگری از شیعیان اسماعیلیه آفریقا هستند که در بسیاری از مناطق مصر زندگی می‌کنند.

ژان کلود پین‌راد از محققان فرانسوی در مورد این فرقه می‌گوید:^{۱۹}

در آسیای شرقی شیعه سه گروه دارد که همه گجراتی‌اند و زبانشان گجراتی است اولین آنها گروهی اسماعیلی به نام بهره هستند این تقسیم‌بندی مربوط به دو خانواده است به نام «مستغنی» و «نزاریه» که از مستغنی دو شاخه باقی‌مانده یکی سلیمانی در یمن و دیگری بهره در هند. اینان (بهره‌ها) ثروت زیادی کسب کردند و غالباً تحصیل‌کرده و اکثراً مهندس بودند و توانستند مراکز نیایشی به وجود آورند و در امور مذهبی بخصوص در قاهره سرمایه‌گذاری نمودند. به اعتقاد اینان مقبره حضرت زینب علیها‌السلام در دمشق نیست بلکه در قاهره است مسجدی هم به نام مسجد حسین علیه‌السلام دارند و آن را بازسازی نمودند و معتقدند سر امام حسین علیه‌السلام در دمشق دفن نیست بلکه به قاهره آورده شده است. اینان مسجدالحکیم را بازسازی نمودند.

فرقه‌های صوفی که از پیروان حضرت امام علی علیه‌السلام و از محبتان اهل بیت علیهم‌السلام هستند نیز جدا از قاهره در شهرهای دیگر مصر سکنا دارند. رهبران جنبش صوفیه در مصر به دلیل علاقه خود به

خاندان رسول الله ﷺ همواره برپا دارنده شعائر شیعی و حافظ حریم اهل بیت ﷺ بوده‌اند. در کتاب جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام از مناطق دیگری در مصر که پایگاه محبان اهل بیت بوده یاد شده است. «اهالی قریه‌ای در مصر به نام ارمنت از شیعیان بوده‌اند که خبر آن در کتاب الطالع السعيد آمده و بعدها تشیع در آن کاستی گرفته است». ابن حوقل نیز گفته: «از اولاد قبطیان، غیلان ابومروان، رئیس غیلانیه فرقه‌ای از شیعه هستند».

ابن اثیر در سال ۵۸۴ هجری از قیام تعداد دوازده نفر شیعه در قاهره نام می‌برد که یا علی یا علی می‌گفتند.^{۲۰}

در همین کتاب خبر از تشیع در شهری به نام اسفون داده شده که در آن نیز تشیع بتدریج کاهش یافته است. مقدسی نیز در قرن چهاردهم آورده که مردم بالای قصبه فسطاط و صدقا شیعی‌اند. وجود این علایق در میان مسلمانان مصر و همچنین نقش بُهره‌ها، صوفیه، جعافره و دیگر گروه‌های دوستدار اهل بیت ﷺ از سویی و تفکر روشن برخی از علمای مصر نظیر شیخ محمود شلتوت و علامه محمد غزالی زمینه مناسبی برای فعالیت در جهت تقریب بین مذاهب اسلامی در مصر فراهم آورده است.

وجود سه حرم متبرک در قاهره یعنی مقام رأس الحسین ﷺ، مرقد حضرت زینب ﷺ و مرقد سیده نفیسه، عوامل اصلی افزایش محبت آل محمد ﷺ در جامعه مصر است. این حریمها امروز نیز زیارتگاه عاشقان اهل بیت ﷺ می‌باشند.

در دهه هفتاد افزایش ارتباطات علمای شیعه و سنی و فعالیت گسترده مرجع فقید شیعیان جهان حضرت آیت الله العظمی بروجردی ﷺ زمینه تأسیس دارالتقریب مصر را فراهم کرد. آیت الله فقید ﷺ برای بهره‌برداری مثبت از این ارتباطات، علامه شیخ محمدتقی قمی را که مردی دانشمند و علاقه‌مند به اتحاد مسلمین بود به مصر فرستاد. ایشان پیام آیت الله العظمی بروجردی ﷺ را به

شیخ مجید سلیم که مقام شیخ الازهر را در آن زمان داشت ابلاغ نمود. پیام متقابل شیخ سلیم به آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله باب مکاتبه و مراوده بین دو مرکز مهم شیعه و سنی را گشود. سفر یکی از علمای مصر به نام شیخ حسن باقوری به ایران، انتشار کتاب *مختصر النافع* علامه حلی و تفسیر *مجمع البیان* شیخ طوسی در مصر و برپایی مجلس عزاداری حضرت امام حسین علیه السلام از سوی دانشگاه الازهر از دستاوردهای ارتباطات علمای شیعه و سنی بود. دیری نگذشت که موضوع تدریس فقه مذاهب اسلامی در دانشگاه الازهر به عنوان مصوبه‌ای در ماده سوم اساسنامه دارالتقرب گنجانده شد.

فتوای شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر مبنی بر جایز بودن پیروی از فقه شیعه حادثه مهم دیگری بود که قرابت و نزدیکی تفکرات علمای شیعی و سنی را نشان می‌داد. وی به عنوان بزرگترین مرجع رسمی اهل سنت با کمال صراحت فتوا داد که پیروان مذهب شیعه اثنی عشری با دیگر مذاهب اسلامی از نظر برخورداری از امتیازهای اسلامی بودن برابر هستند و به اهل سنت و جماعت اجازه داده می‌شود در صورت تمایل از فتاوی علمای شیعه جعفری پیروی کنند.

عشق و علاقه مردم مصر به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که ریشه در صدر اسلام دارد هنوز جوشان است. یاد دوران خلافت دادگسترانه حضرت علی علیه السلام در مصر و قبور متبرک حضرت زینب علیها السلام، رأس الحسین علیه السلام، سیده نفیسه و مالک اشتر نخعی در این کشور هنوز زنده است، زنده می‌ماند و شعله این محبت را فروزانتر خواهد کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بد اندیشان و تفرقه‌گرایان - چه از وهابیون و چه از روشنفکران غربگرا - تلاش فراوانی برای خاموش کردن عشق اهل بیت علیهم السلام در قلوب مسلمانان مصر به عمل آوردند. کتب بسیاری نوشته و سخنان فراوانی گفته شد اما وجدان شیعی مردم مصر همچنان بیدار است و ولای آل الله، حلقه اتصال شیعه و سنی در این سرزمین و نقطه اشتراک مردم ایران و مصر می‌باشد.

اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ با جهاد و شهادت و ایثار، اعتلای کلمه الله و مجد و عظمت مسلمانان را ضمانت کردند و در این عصر نیز محبت ایشان باعث اتحاد مسلمانان و غلبه بر شرک و کفر جهانی خواهد شد. ان شاء الله.

پی‌نوشتها و مأخذ

- ۱- تاریخ شیعه، علامه محمد حسین مظفر، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، ص ۲۵۸.
- ۲- همان منبع، ص ۲۵۷.
- ۳- همان منبع، ص ۲۵۸، به نقل از الخطط، ۱۴۹/۴.
- ۴- همان منبع ص ۲۵۸، به نقل از الکامل ۱۶۰/۳.
- ۵- همان منبع، ص ۲۵۹ به نقل از الخطط ۱۵۱/۴.
- ۶- علی بن محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ۷- نهضت قرمطیان، دکتر حسینعلی ممتحن، ص ۹.
- ۸- الامام الصادق، عبدالحلیم جندی، نسخه عربی، ص ۴.
- ۹- نهضت قرمطیان، دکتر حسینعلی ممتحن، ۵۸.
- ۱۰- تاریخ شیعه، علامه محمد حسین مظفر، ص ۲۷۱، پاورقی.
- ۱۱- تاریخ خلفای فاطمی، ص ۲۸، مندرج در نهضت قرمطیان.
- ۱۲- النجوم الزاهرة، ج ۶، ص ۱۷۲، مندرج در نهضت قرمطیان.
- ۱۳- تاریخ شیعه، علامه محمد حسین مظفر، ص ۲۸۰، پاورقی.
- ۱۴- الرحله، صفحات ۲۱ و ۳۴.
- ۱۵- مصر از زاویه‌ای دیگر، جمیله کدیور، ص ۴۹.
- ۱۶- همان، ص ۶۹.
- ۱۷- همان، ص ۴۹.
- ۱۸- الامام جعفر الصادق علیه السلام، عبدالحلیم جندی، صص ۴ و ۵.
- ۱۹- ژان کلود پین‌راد، «بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی»، شماره ۷۱.
- ۲۰- جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، محمدرسول جعفریان، ص ۳۷.